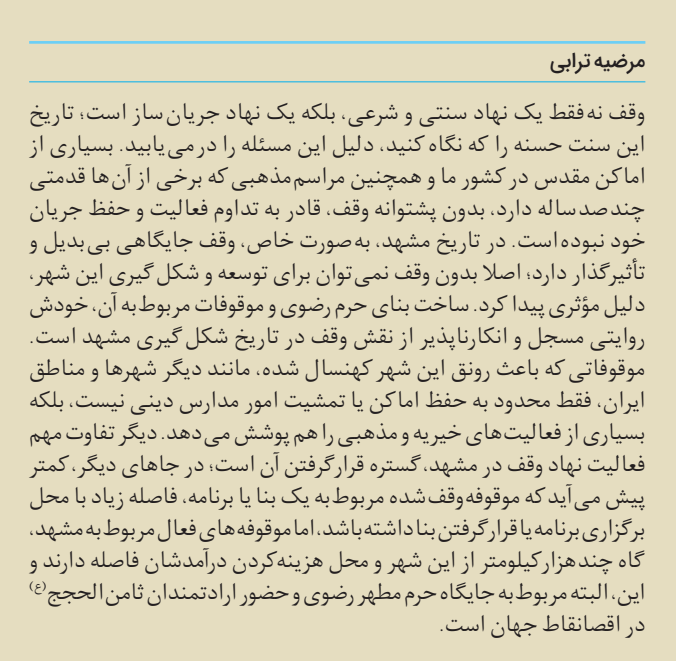


گذری بر مهم ترین موقوفات دور و نزدیک که درآمد آن ها صرف مراسم سوگواری محرم و صفر می شود

جریان سازی وقف در تاریخ عزاداری های مشهد



مرضیه ترابی

وقف نه فقط یک نهاد سنتی و شرعی، بلکه یک نهاد جریان ساز است، تاریخ این سنت حسنه را که نگاه کنید، دلیل این مسئله را درمی یابید. بسیاری از اماکن مقدس در کشور ما و همچنین مراسم مذهبی که برخی از آن ها قدمتی چند صد ساله دارد، بدون پشتوانه وقف، قادر به تداوم فعالیت و حفظ جریان خود نبوده است. در تاریخ مشهد، به صورت خاص، وقف جایگاهی بی بدیل و تأثیرگذار دارد، اصلا بدون وقف نمی توان برای توسعه و شکل گیری این شهر، دلیل مؤثری پیدا کرد. ساخت بنای حرم رضوی و موقوفات مربوط به آن، خودش روایتی مسجل و انکارناپذیر از نقش وقف در تاریخ شکل گیری مشهد است. موقوفاتی که باعث رونق این شهر کهنسال شده، مانند دیگر شهرها و مناطق ایران، فقط محدود به حفظ اماکن یا تمشیت امور مدارس دینی نیست، بلکه بسیاری از فعالیت های خیریه و مذهبی را هم پوشش می دهد. دیگر تفاوت مهم فعالیت نهاد وقف در مشهد، گستره قرارگرفتن آن است، در جاهای دیگر، کمتر پیش می آید که موقوفه وقف شده مربوط به یک بنا یا برنامه، فاصله زیاد با محل برگزاری برنامه یا قرارگرفتن بنا داشته باشد، اما موقوفه های فعال مربوط به مشهد، گاه چند هزار کیلومتر از این شهر و محل هزینه کردن درآمدشان فاصله دارند و این، البته مربوط به جایگاه حرم مطهر رضوی و حضور ارادتمندان ثامن الحجج^(ع) در اقصانقاط جهان است.

● مراسم عزاداری و نسبت آن با وقف در تاریخ مشهد

یکی از زمینه های مهم فعالیت موقوفه ها در شهر مشهد، مربوط به برگزاری مراسم عزاداری و به صورت خاص، عزاداری ماه های محرم و صفر است. در این دو ماه، حضور زائران در مشهد هم افزایش پیدا می کند و فضا برای برگزاری چنین جلساتی فراهم می شود. تا جایی که می دانیم، مراسم عزاداری دست کم از میانه دوره ایلخانی به بعد، در مشهد برگزار می شده، هرچند برگزاری آن به دلایل سیاسی و گاه مذهبی، با محدودیت های زیادی همراه بوده است. با توسعه کمی و کیفی شهر در دوره تیموری و در پی آن، استقرار دولت شیعی مذهب صفویه، عزاداری در شهر مشهد، شکل و صورت منظمی به خود گرفت و به ویژه در ایام محرم و صفر، حضور کاروان های زیارتی و زائرانی از اقصانقاط قاجار وقف شده باعث رونق این مراسم می شد. همین مسئله، واقفان را به فکر انداخت که برای تأمین هزینه های این مراسم، تمهیداتی ببند یشند و چنین بود که نخستین موقوفه های مربوط به عزاداری در این دو ماه، وقف وباعث رونق جریان عزاداری در مشهد شد. اتفاقا قدیمی ترین موقوفه ای که در این زمینه وقف شد و در روزگار مانیز

همچنان فعال است، مربوط به اواخر عهد صفوی است، این موقوفه که به «موقوفه میرزا محمد مؤمن» شهرت دارد، در سال ۱۱۳۶ هجری قمری (۱۰۳ خورشیدی)، طبق وصیت شاه طهماسب دوم، وقف شد تا نیمی از عواید سالانه آن، صرف عزاداری در روز عاشورا و افزون بر این، روضه خوانی برای سیدالشهدا^(ع) در هر شب و روز جمعه شود.

● موقوفه های دور

تعداد زیادی از موقوفه های قدیمی مربوط به برگزاری عزاداری در مشهد که عموما مربوط به برگزاری مراسم سوگواری در حرم مطهر امام رضا^(ع) می شوند، داخل یا حتی اطراف شهر مشهد قرار ندارند، نمونه اش موقوفه «محمدحسین الشریف، است که در سال ۱۲۵۴ هجری قمری (۱۲۱۷ خورشیدی)، در دوره محمدشاه قاجار وقف شده است. محمدحسین خان که ظاهرا از اعیان کرمان بود، یک سوم درآمد یک دانگ ونیمی از مزرعه «حسین آباد دریاچه، واقع در حومه شهر کرمان را وقف برگزاری عزاداری در ماه های محرم و صفر، در محل مسجد گوهرشاد و اماکن متبرکه کرده است. از موقوفه نسبتا بزرگ «امام وردی خان بیات مختاری و آجی سلطان زوجه وی، نیز، می توان

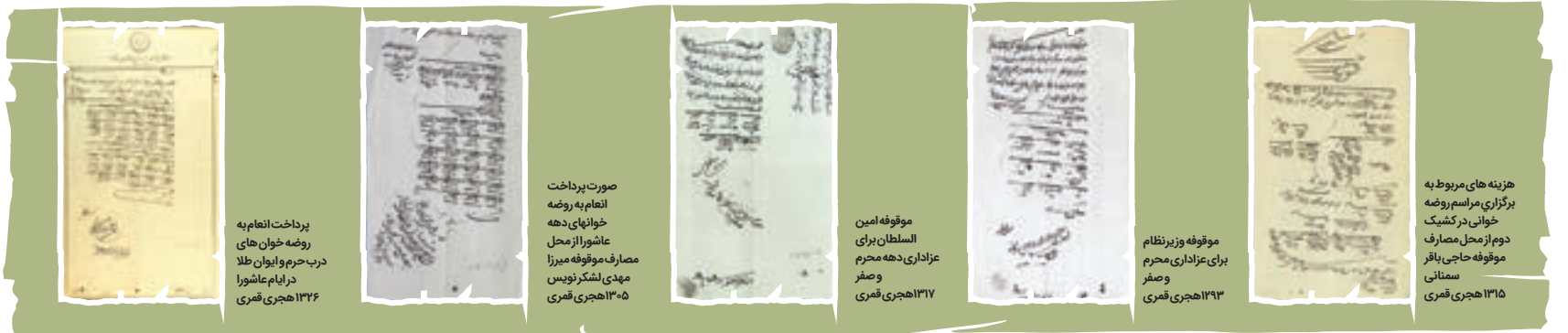
به عنوان یک نمونه خوب دیگر در این زمینه یاد کرد، موقوفه ای مربوط به سال ۱۲۷۶ هجری قمری (۱۲۳۸ خورشیدی) در عهد ناصرالدین شاه که محل آن در نیشابور قرار دارد و جزئیات مربوط به نیت واقف در آن، خیلی هم مفصل است» منافع موقوفات مزبور همه ساله بعد از وضع روضه خوانی برای سیدالشهدا^(ع) در هر بعد از وضع تعمیرات باغات و متعلقات منافع ۶ سهم، از اول فصل حمل (بهار) لغایت فصل عقب (پاییز) و روز عید غدیر و روز وفات حضرت امام حسن و روز وفات امام رضا علیه السلام [و نیز] ایام شریفی که مناسب باشد از اشخاصی که از اهل... نیز صرف عزاداری در حرم امام رضا^(ع) و اطراف آن می شود، مواردی مانند این دو نمونه کم نیست، موقوفه هایی مثل موقوفه سیدعلی فرزند سیداسماعیل در کرمان (مربوط به سال ۱۲۶۱ هجری قمری (۱۲۲۴ خورشیدی) که نقش مهمی در برقرار ماندن جریان تاریخ عزاداری شهر مشهد داشته اند.

● موقوفه های نزدیک

بخش دیگری از موقوفه های مربوط به مراسم عزاداری در شهر مشهد که البته بخش شایان توجهی را هم دربرمی گیرد،



داخل شهر قرار دارند. از قدیمی ترین نمونه های این قبیل موقوفه ها، می توان به موقوفه «فضل ا... خان وزیرنظام، اشاره کرد که در سال ۱۲۷۱ هجری قمری (۱۲۳۴ خورشیدی) وقف شد، او چند باب مغازه در بازار کفشدوزان مشهد را که متصل به صحن عتیق بود، وقف عزاداری ماه صفر کرد. این عزاداری باید در دهه آخرین ماه و در حرم رضوی برگزار می شد. نمونه دیگری که می توان به آن اشاره کرد، موقوفه مشهور عضدالملک است. میرزا محمدحسین، مشهور به عضدالملک، دو دوره نایب التولیه آستان قدس بود و در سال ۱۲۷۴ هجری قمری (۱۲۳۶ خورشیدی)، طومار مشهور «عضدالملکی، را تهیه کرد که در آن، سیاهه کامل موقوفات حرم رضوی ثبت شده است و یکی از منابع بسیار مهم برای شناخت موقوفات قدیمی مشهد محسوب می شود. عضدالملک علاوه بر تلاش در راستای حفظ موقوفه ها، خودش هم واقف بود و اتفاقا به موضوع تأمین هزینه های عزاداری به وسیله موقوفه ها نیز اهمیت بسیار می داد. او زمین ها و مغازه هایی را در مشهد و اراضی زراعی متعددی را بیرون از شهر مشهد خرید و وقف این کار کرد. طبق نظر عضدالملک، درآمد موقوفه بعد از کسر



۱۵ محرم ۱۳۲۸ هجری قمری / روزنامه طوس

وقایع شهری، روز شنبه ۱۰ محرم، اشعه خورشید با کمال فتور بدن برهنه و فرق خون آلود دسته جات عزادار را گرم کرده و خود را در سوگواری آنان شریک می کرد. خانه های شهر خالی و معابر پرجمعیت بود. صحنین، خیابان ها و بازارها، غرقه های پشت بام ها، حتی گلدسته و سردرهای خیلی عالی، یکپارچه جمعیت شده بود. زیادی خلق و درهمی آنان یک جنبش ملایمی برای آن ها حاصل می کرد. از هر محله و هر طایفه، دسته ای مخصوص وارد صحن شده، یک دسته که مخصوص ترک های قرباغی و بادکوبه ای بود به هنجار قدیم با یدک و کتل و نعش و ذوالجناح وارد گشته، جمعی کثیر نیز با یک حرارت مفرطی کفن پوشیده، تیغ زده و در پیشاپیش آن ها چند نفر قفل و بند بر بدن آویخته، دسته جات دیگر هم به همین ترتیب و ترتیب ها دگرگون وارد

صحن شده و بروز عزاداری داده، مراجعت می کردند. در سنوات قبل این دسته جات در موقع مصاف شدن با هم در یک تنگنا با یک معبر، با هم برخورد کرده، به خصوص هنگام ورود صحن با آن جریده های جنگی عرصه سکونت تنگ شده، مشکل درمی افتاد. والی امسال مراقبت کرده، یک نظم و ترتیب امنیت اثری را در صحن مقدس و داخله بست به وجود آورد اما این بار دیگر واقعه ناگواری رخ داد، قبل از ظهر همین روز یک قطعه از طارمی داخل بست بالا خیابان که حامل چهل، پنجاه زن و بچه تماشاچی بود، به علت سنگینی افراد، کمر خم کرده، خراب و محمولات خود را با یک صدای مهیب به زیر انداخت، بیش از یک دو زن صدمه موت رانچشیده و بیش از ده دوازده تن زحمت جرح را درنیافتند. بر اداره بلدی است که وضع طارمی های پوسیده را اصلاح کند.



این عکس را عبا... قاجار، عکاس باشی مخصوص ناصر الدین شاه در سال ۱۳۱۱ هجری قمری گرفته است



کفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت ششم)

نخستین مشهدی های تاریخ



ترابی

گفته می شود، مشهدی کسی است که مجاور حرم رضوی باشد، این تعریف البته ساده به نظر می رسد، اما تعریف پرمفهوم و دقیقی است، به این دلیل که نشان می دهد شهر مشهد، نه بر مبنای اقامت قوم و قبیله خاص، بلکه بر اساس یک ماهیت مذهبی شکل گرفته و به تدریج توسعه یافته است. ساکنان مشهد، از همان روزگار نخست، یعنی نیمه اول قرن سوم هجری، از منظر نژادی و تبار، یکدست نبوده اند، خب، اینجا محل اقامت ارادتمندان ثامن الحجج^(ع) بود و این ارادت، البته هیچ ربطی به نژاد و ملیت نداشت. اما درباره اینکه چه کسانی نخستین بار آمدند و در جایی که امروزه مشهد خوانده می شود، ساکن شدند، اطلاعات ما محدود است، یعنی دقیقا نمی دانیم نخستین مشهدی های تاریخ چه کسانی بوده اند، اما دستمان هم خیلی خالی نیست و می توان با استفاده از برخی متون حدیثی شیعه، مانند کتاب ارجمند «عیون اخبار الرضا^(ع)»، بعضی اطلاعات را در این زمینه به دست آورد. برای نمونه احتمالا کسی که باید او را به عنوان نخستین خادم شناخته شده حرم رضوی معرفی کنیم و بالطبع، وی را در رمرزه نخستین مشهدی ها به حساب آوریم، خانی است از اهالی نوغان که کار مراقبت از روشنایی و جارو کشی داخل فضای روضه منوره (جایی که الان ضریح امام رضا^(ع) قرار دارد) را برعهده داشت و البته، ما از نام وی بی اطلاع هستیم. البته خادمان حرم محدود به این بانو نبوده اند، آن طور که شیخ صدوق از محمدبن عبا... حکمی، حاکم نوغان در اوایل قرن چهارم، روایت می کند، حرم امام رضا^(ع) خادمانی داشت که ظاهرا از خانه های اطراف روضه منوره سکونت داشتند و این افراد را هم باید در رمرزه نخستین مشهدی ها به حساب آورد.

● ابونصر نیشابوری و قصه شگفت انگیز او

یکی از آن کسانی که خوشبختانه هم نام او را می دانیم و هم دلیل مشهدی شدنش را، ابونصر مؤذن نیشابوری است. ماجرای آمدن این آقا به مشهد، به شفای وی از یک بیماری سخت بازمی گردد. در کتاب «عیون اخبار الرضا^(ع)»، (ج ۳، ص ۲۸۱، ترجمه: آقابنجفی اصفهانی)، به نقل از ابونصر مؤذن می خوانیم: «مرا مرضی سخت عارض شد که از آن مرض زبان من سنگین شد و بعد از آن قدرت بر تکلم نداشتم. پس به خاطر من چنین خطر کرد که حضرت رضا^(ع) را زیارت کنم و خدا را در نزد او بخوانم و او را شفیع خود قرار دهم تا اینکه خدا مرا از این علت (بیماری) عافیت دهد و زبان مرا بگشاید. پس بر چهارپایی سوار شدم و قصد مشهد کردم و زیارت حضرت رضا^(ع) کرده و در نزد سر مبارک آن حضرت ایستادم و دو رکعت نماز گزاردم و در هنگام دعا و زاری کردن، صاحب این قبر را در نزد خدا شفیع کردم که مرا از این مرض عافیت دهد... پس در سجده خود به خواب رفتم. در خواب دیدم گویا قبر شکافته شد و مرد مسن گندم گونی که سخت رنگ [صورت] او مایل به سفیدی بود، از قبر بیرون آمد و نزدیک من شد و گفت: ای ابانصر بگو لا اله الا...، من به سر اشاره کردم که چگونه بگویم این کلمه را و حال آنکه زبانم بسته است؟ صیحه بر من کشید و فرمود: منکر شدی قدرت خدای را؟ بگو لا اله الا...، [تا گهان] زبان من گشاده شد و گفتم لا اله الا...، پس [بیدار شدم و] به منزل خود پیاده برگشتم و پیوسته می گفتم: لا اله الا... و زبان من گشوده بود و بعد از آن بسته شد.» ابونصر نیشابوری، نه فقط از نخستین مشهدی های تاریخ است، بلکه باید او را از نخستین مؤذنان حرم رضوی و شهر مشهد هم بدانیم.

● قصه مهاجرت سادات

یکی از گروه های جمعیتی که باید آن ها را هم در رمرزه نخستین مشهدی ها منظور داشت، سادات هستند. رد و نشان حضور دیرینه آن ها در مشهد را می توان در بسیاری از متون تاریخی یافت. پیش از آنکه مشهد، شکل شهر به خودش بگیرد، سادات به عنوان «نقیب»، اداره امور حرم مطهر و همچنین مناطق مسکونی آن را برعهده داشتند و بعدها هم، این عنوان را کم وبیش، در دوره های مختلف حفظ کردند. بعد از حضور گسترده سادات رضوی در مشهد، میرزا ابراهیم رضوی در میانه دوره صفویه، برای انسجام ساختاری و تشکیلاتی این گروه، موقوفه های ارزشمندی را وقف آن ها کرد. مزار میرزا ابراهیم، امروزه در پشت کوه سنگی مشهد، محل بازدید علاقه مندان به آثار تاریخی و البته مرکز رسیدگی به امور سادات رضوی مشهد است. پیشهاد می کنم حتما سری به آنجا بزنید، هرچند در ساختمان آن تغییر اساسی داده اند، اما هنوز هم کتیبه محراب که مربوط به دوره شاه صفی صفوی است، وجود دارد و می توان از بازدید آن لذت برد. جا دارد یادآوری کنم که نخستین سادات ساکن مشهد، سادات رضوی نبودند. گروهی از سادات حسینی، وابسته به خاندان «زباری»، احتمالا در اواسط قرن چهارم هجری به مشهد آمدند و مدتی در این منطقه ساکن شدند. آن ها چند وقتی متولی امور حرم رضوی و رسیدگی به احتیاجات زائران و مجاوران بودند، اما به دلایلی که خیلی معلوم نیست، بیشتر این خاندان سادات، از مشهد رفتند و در نواحی اطراف سبزوار کنونی و بیهق قدیم ساکن شدند. تاجایی که می دانیم، نخستین بار در زمان سلطان مسعود غزنوی، ابوجعفر، محمد بن علی زباری، یکی از افراد این خاندان، به عنوان نقیب یا رئیس سادات مشهد منصوب شد و این نشان می دهد که جمعیت سادات مشهد در این زمان، قابل ملاحظه بوده است. بااین حال، بعد از ابوجعفر، مقام نقابت و ریاست سادات به سادات موسوی رسید، گروهی که نوادگان قاسم بن حمزه بن موسی الکاظم^(ع) بودند. بعدها نیز، این مقام به سادات رضوی منتقل شد.

● یک نکته انحرافی

ممکن است این مسئله به ذهن برسد که به احتمال زیاد، بیشتر ساکنان نخستین مشهد، به جز خاندان سادات، عموما از ساکنان و اهالی خطه خراسان و نواحی اطراف مشهد بوده اند. این دیدگاه تاحدودی درست است، البته فقط تاحدودی! چون گزارش های محدود موجود درباره نخستین مجاوران حرم رضوی و درواقع اولین ساکنان شهر مشهد، خبر از ورود افرادی از سراسر جهان اسلام می دهد. تعجب نکنید! نمونه اش گزارش صدوق درباره حمزه مصری است، زائری از کشور مصر که پای پیاده خودش را به خراسان و مشهد رساند تا امام رضا^(ع) را زیارت کند و بعد از دیدن کرامت آن حضرت، در این شهر ماندگار شد یا «فائق خاصه» (درگذشته به سال ۳۸۹ ق) یکی از بانیان اولیه ساخت و ساز در شهر مشهد و حرم رضوی که اصالتا از اهالی اندلس بود و شاید یک بار، اگر فرصتی دست داد، درباره زندگی عجیب و غریبش برایتان بنویسم. بنابراین اینکه بخواهیم نخستین مشهدی های تاریخ را محدود به اهالی اطراف مشهد و نهایتا خراسان کنیم، شاید خیلی دقیق و درست نباشد.

خبر سوخته

روزنامه طوس به مدیر مسئولی میرزاهاشم خان قزوینی و سردبیری شیخ ابوالقاسم نحوی در تاریخ ۲۶ ذی قعدة ۱۳۲۷ در مشهد منتشر شده و انتشار آن تا حدود یک سال بعد ادامه داشته است

پل کشف رود؛ ۱۳۵ سال پیش

کوچک زاده را در کتاب «گزیده عکس های تاریخی حرم مطهر و مشهد» گفته شده است که پل کشف رود معروف به «پل شاهی» در نیم فرسنگی شمال آرامگاه خواجه ربیع در ابتدای جاده مشهد به کلات نادری واقع شده است. این پل یکی از دوپل تاریخی نباشده روی رودخانه کشف رود در منطقه طوس است. گویا این سازه با ۱۱ دهنه آجری، در دوره تیموری بر سربکی از راه های مواصلاتی شمال مشهد ساخته شده است. کشف رود در اغلب روزهای سال، صددرد خشک است اما در گذشته در فصل های بارانی پرآب و در برخی ماه ها نیز بسیار کم آب بوده است. لرد کرزن

که این سازه را در سفرش به مشهد به سال ۱۳۱۰ قمری (۱۲۷۱ خورشیدی) دیده در گزارشی از بی تناسبی اندازه پل و کم آبی آن اظهار شگفتی کرده است. بقایای اندکی از این پل اکنون در فاصله حدود ۵۰۰ متری سمت راست پل بتنی کشف رود در جاده مشهد به کلات مشاهده می شود. این عکس از پل که توسط عبا... قاجار گرفته شده، یک سال پس از گزارش کرزن، یعنی در ۱۳۱۱ قمری (۱۲۷۲ خورشیدی) گرفته شده است. کرزن وضعیت عمومی پل را نامناسب دانسته و تصویر نیز مؤید خرابی دیواره ها و پایه های پل است.

فوتو مشهد